



تحلیل متن‌شناسی دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه بر پایه نظریه کنش‌گفتاری سرل

دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۲۷ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۳۰

عزت ملاابراهیمی^۱ حسن جلالی^۲

چکیده

کاربردشناسی زبان که در رویکردهایی مانند نظریه کنش‌گفتاری ظهور و بروز پیدا می‌کند، یکی از زیرمجموعه‌های زبان‌شناسی است. از مشهورترین تقسیم‌بندی‌هایی که از کنش‌های گفتاری ارائه شده، الگوی پیشنهادی جان سرل است. وی کنش‌های گفتاری را به پنج دسته اصلی تقسیم می‌کند: اظهاری، ترغیبی، احساسی، تعهدی و اعلامی. این طبقه‌بندی هر چند مؤثرترین الگوی ارائه شده در خصوص کنش‌های گفتاری به شمار می‌رود، اما به هیچ وجه انحصاری نیست و مرزبندی دقیقی میان مصادیق کنش‌ها وجود ندارد؛ زیرا یک پاره‌گفتار در بافت یک متن، می‌تواند انواع مختلفی از کنش‌های گفتاری را در بر داشته باشد یا دید دریافت‌کننده‌ها به پاره‌گفتارها ممکن است متفاوت باشد. در این جستار متن دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه، به روش توصیفی تحلیلی و بر اساس نظریه کنش‌گفتاری سرل واکاوی شده است که می‌تواند مخاطب را در درک بهتر اهداف و میزان تأثیربخشی این دعا بر روح و روان خوانندگان یاری رساند. همچنین میزان بسامد هر کدام از کنش‌های مختلف گفتاری و علل آن‌ها نیز در این پژوهش بررسی شده است. از نتایج پژوهش استنباط می‌شود که از میان کنش‌های گفتاری به کار رفته در این دعا، کنش‌گفتاری ترغیبی بیشترین بسامد را دارد که ریشه در ماهیت ذاتی دعا به عنوان کنشی درخواست‌محور و مبتنی بر التماس عبد در برابر معبود دارد. کنش احساسی در جایگاه دوم قرار می‌گیرد که بازتاب‌دهنده بار عاطفی مناجات و تقابل میان عظمت الهی و احساس فقر و نیاز انسان است. کنش اظهاری در رتبه سوم جای دارد که با کارکرد توصیفی و تمهیدی دعا، به‌ویژه در حمد و ثنای الهی، همخوانی دارد. کنش تعهدی سهم کمتری دارد و کنش اعلامی، به سبب فقدان تغییر وضعیت نهادی در مخاطب که ذات اقدس الهی است، جایگاه قابل‌ذکری ندارد. این توزیع بسامد نشان می‌دهد که ساختار کاربردشناختی دعا بر کنش‌های ترغیبی و احساسی استوار است و توصیف صرف در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: امام سجّاد (علیه السلام)، کنش‌های گفتاری، پاره‌گفتار، جان سرل، صحیفه سجادیه، دعای چهل و هفتم.

mebrahim@ut.ac.ir

۱. استاد گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Jalali62h@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۱. مقدمه

انسان‌ها برای رساندن منظور خویش تنها پاره‌گفت‌هایی را که حاوی کلمات و ساختارهای دستوری باشد، تولید نمی‌کنند، بلکه از رهگذر آن پاره‌گفت‌ها^۱ اعمالی را نیز انجام می‌دهند. اعمالی را که پاره‌گفت‌ها انجام می‌دهند، عموماً کنش‌های گفتاری^۲ می‌نامند. بنا بر نظریه کنش‌گفتار، انسان هنگام استفاده از زبان در حقیقت اقدام به انجام کاری می‌کند؛ یعنی صرفِ سخن گفتن برابر با انجام کار است. زبان‌شناسان از دیرباز میان آنچه گفته و آنچه انجام می‌شود، تفاوت قائل بوده‌اند. بر این اساس تنها چیزی که انسان از سخن گفتن انتظار دارد آن است که با واقعیت مطابقت داشته باشد، نه آنکه کاری انجام دهد. جان لانگ آستین^۳ (۱۹۱۱-۱۹۶۰) که از پیشگامان این نظریه به شمار می‌رود، «در مخالفت با این دیدگاه نشان داد که می‌توان گفتار را به‌عنوان رویدادی مشابه با سایر کنش‌ها تلقی کرد» (داد، ۱۳۹۲: ۴۶۸). پس از آستین، افراد دیگری نظیر جان سرل^۴ که در واقع شاگرد وی بود، به تبیین این رهیافت و تکمیل آن پرداختند. به همت سرل بود که چهارچوب کلی و نظری انگاره کنش‌های گفتاری (= افعال گفتاری) معین و بسیاری از نتایج آن استخراج شد. سرل معتقد بود که «سخن گفتن به یک زبان عبارت است از انجام افعال گفتاری؛ افعالی از قبیل بیان کردن، امر کردن، پرسیدن، وعده دادن و مانند این‌ها» (سرل، ۱۳۸۷: ۱۰۷). او دلیل پرداختن به مطالعه افعال گفتاری را صرفاً بدین سبب می‌دانست که هر ارتباط زبانی مستلزم افعال زبانی است. واحد ارتباط زبانی، آن‌گونه که عموماً انسان‌ها گمان کرده‌اند نشانه، واژه، جمله یا حتی مصداق نشانه، واژه یا جمله نیست؛ بلکه ایجاد یا صدور نشانه، واژه و جمله در انجام فعل گفتاری دخیل است. از این رو افعال گفتاری واحدهای بنیادین یا کوچک‌ترین واحدهای ارتباط زبانی به شمار می‌روند (همان: ۱۰۸).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان کنش‌های گفتاری را این‌گونه تعریف کرد: «کنش

۱. پاره‌گفتار یا پاره‌گفت آن گفته معنادار مرتبط به موضوع است که طرفین تعامل در هر نوبت سخن گفتن خود به صورت جفت‌های کمینه بر زبان جاری می‌کنند (آساگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۶).

2. speech act

3. John, Langshow Austin

4. John, Langshow Austin

گفتار جنبه مهمی از کاربردشناسی زبان است و موضوع بحث آن معانی خاصی است که نظریه‌پردازان حوزه گفتار، بنا به دانش زمینه‌ای و تفسیرهای خود از بافت متن، به اجزای تشکیل دهنده متن نسبت می‌دهند» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۵). از این رو جستار حاضر با رویکردی میان‌رشته‌ای، از مباحث مطرح شده در دانش زبان‌شناسی بهره گرفته و به مطالعه بخشی از متن صحیفه سجادیه پرداخته تا با بررسی یک متن دینی از زاویه دید مسائل زبان‌شناختی، بهتر بتواند زیبایی‌ها و راز و رمزهای زبانی نهفته در آن را تبیین کند؛ چراکه کاربر است این الگوها از یک سو محقق را از کلی‌گویی و قضاوت‌های سطحی می‌رهاند و از سویی دیگر به مخاطب در درک عمیق و فهم دقیق متن یاری می‌رساند.

گفتنی است که صحیفه سجادیه حاوی مباحث اعتقادی، سیاسی و اجتماعی عمیق شیعیان است. از این رونگارانگان به واکاوی کنش‌های گفتاری یکی از دعا‌های منسوب به امام سجاد (علیه السلام) به نام دعای چهل و هفتم یا دعای روز عرفه پرداخته‌اند. این دعا یکی از طولانی‌ترین دعا‌های صحیفه سجادیه به شمار می‌رود و شامل حدود ۱۳۳ فقره و بند است؛ البته ممکن است در چاپ‌های دیگر بنا به نظر مصحح یا مترجم این تقسیم‌بندی فرق کند و تعداد فقره و فرازها کم و زیاد شود. با این حال، بیان مضامینی چون ذکر اُسما و صفات الهی، ستایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) مطهر او، رحمت و درود بر شیعیان و نیز تشویق به اکتساب مکارم اخلاقی و اجتناب از رذالت‌های نفسانی، از مهم‌ترین مبانی مطرح شده در این دعا به شمار می‌رود. در نتیجه والاترین آموزه‌ها و خطوط اصلی این دعا را می‌توان در محورهای خداشناسی، پیامبرشناسی، امام‌شناسی، ولایت‌مداری، خودسازی و درخواست حوائج اخروی و دنیوی از ذات لایزال الهی دسته‌بندی کرد.

۱/۱. سوال‌های تحقیق: پژوهش پیش رو با استفاده از رهیافت‌ها و بنیادهای نظریه کنش‌گفتاری جان سرل در صدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- کنش‌های گفتاری به کار رفته در دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه از نظر بسامد چگونه توزیع شده و علت غلبه برخی کنش‌های گفتاری بر دیگر کنش‌ها در بافت ارتباطی این دعا چیست؟

- کنش‌های گفتاری غالب در این دعا، فراتر از معنای صریح، چه کارکردها و لایه‌های معنایی ضمنی‌ای را در بازنمایی رابطهٔ عبد و معبود آشکار می‌سازند؟

۲/۱. پیشینهٔ تحقیق: تاکنون پژوهش‌های ارزشمندی با تکیه بر نظریهٔ کنش‌های گفتاری آستین بر روی متون دینی از جمله قرآن، نهج البلاغه و صحیفهٔ سجادیه انجام شده و محققان بسیاری با رویکردهای نقدی متفاوتی به بررسی و تحلیل این متون مقدس پرداخته‌اند که به جهت گستردگی آن‌ها، در این جستار تنها به بیان چند مورد اکتفا می‌شود:

مقالهٔ «کار بست نظریه کنش‌گفتاری در خوانش آیات جهاد» (۱۳۹۹) نوشته فاطمه دسترنج و منصوره عرب، این پژوهش با بازخوانی آیات جهاد و با بهره‌گیری از نظریهٔ کنش‌گفتاری و روش توصیفی تحلیلی، در پی ارائه خوانشی نو از گفتمان قرآنی است. نتایج تحلیل بر پایهٔ کنش‌های گفتاری سرل نشان می‌دهد که هر پنج کنش‌گفتاری در آیات جهاد حضور دارد. در این میان، کنش اظهاری بیشترین بسامد را دارد و پس از آن کنش‌های ترغیبی، اعلامی، عاطفی و تعهدی قرار می‌گیرد. غلبهٔ کنش اظهاری و افعال تبیینی و تعلیلی حاکی از آن است که ارادهٔ الهی بر ارشاد و آگاهی‌بخشی مخاطب پیش از پرداختن به قتال تأکید دارد.

مقالهٔ «بررسی و طبقه‌بندی خطبه‌های نهج البلاغه از دیدگاه نظریهٔ کنش‌گفتاری» نوشتهٔ سید عبدالمجید طباطبایی لطفی و طاهره قاسمی (۱۳۹۳)، این مقاله با تکیه بر نظریهٔ کنش‌های گفتاری آستین، زبان را نه صرفاً ابزار انتقال معنا، بلکه نوعی کنش می‌داند و اظهارات زبانی را به چهار دسته بیان‌گشایانه، اخباری، اخلاقی و انشایی تقسیم می‌کند که تنها اظهارات اخباری صدق و کذب‌پذیرند، در حالی که دیگر کنش‌ها بر اساس تناسب یا عدم تناسب و با توجه به تحقق شرایط خاص سنجیده می‌شوند؛ بر همین اساس، مقاله می‌کوشد با بهره‌گیری از این چهار چوب نظری، جلوه‌هایی از سبک زندگی امام علی (علیه السلام) را در خطبه‌های ایشان تحلیل و استخراج کند.

دربارهٔ دعای عرفه صحیفهٔ سجادیه نیز پژوهش‌هایی انجام شده است که به این

قرار است:

مقاله «بررسی تطبیقی دعای عرفه امام حسین (علیه السلام) و امام سجاد (علیه السلام)» نوشته حیدر محلاتی (۱۳۹۵) که نویسنده به روش تحلیلی تطبیقی به بازشناسی شیوه‌های نیایش در این دو دعا از نگاه فنی و ادبی پرداخته است.

مقاله «رابطه ساختاری و محتوایی دعای عرفه منقول از امام حسین (علیه السلام) و دعای عرفه صحیفه سجاده» نوشته محمد عترت‌دوست (۱۴۰۲)، این پژوهش با تأکید بر ضرورت به‌کارگیری روش‌های نوین میان‌رشته‌ای، به‌ویژه «تحلیل محتوا»، در کنار روش‌های سنتی و با توجه به لزوم بومی‌سازی مراحل اجرای آن، از طریق مقایسه دو تکنیک «تحلیل محتوای مضمونی» و «تحلیل محتوای مقوله‌ای» به بررسی و تحلیل ساختار هندسی و روابط ساختاری محتوایی دعای عرفه امام حسین (علیه السلام) و امام سجاد (علیه السلام) می‌پردازد.

مقاله «بررسی سبک‌شناختی عناصر جامعه در عهدنامه مالک اشتر و دعای چهل و هفتم صحیفه سجاده» نوشته علی صادق‌نژاد و همکاران (۱۴۰۰) که انواع صورت‌های زبانی و کاربردهای عملی آن را در دو متن مقدس با یکدیگر مقایسه و تحلیل کرده‌اند.

مقاله «ویژگی‌های امامت در دعای چهل و هفتم صحیفه سجاده» نوشته محمدعلی ایزدی و همکاران (۱۴۰۰) که نویسندگان در این پژوهش معتقدند با توجه به جو اختناقی که پس از واقعه عاشورا در دوران امامت حضرت سجاد (علیه السلام) به وجود آمد، ایشان به موضوع بنیادین امامت و شاخصه‌های محوری آن در قالب دعا اشاره کرده و در این دعا به تبیین والاترین آموزه‌های شیعه در باب جایگاه امامت در جامعه اسلامی و انسانی پرداخته‌اند.

با بررسی‌های انجام شده مشخص شد که تاکنون پژوهشی درباره دعای چهل و هفتم صحیفه سجاده، بر پایه نظریه کنش‌گفتار جان سرل صورت نگرفته است. از این رو جستار حاضر می‌تواند نوآوری داشته باشد. چه، با شناسایی انواع کنش‌های گفتاری به کار رفته در متن این دعا و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از بافت درون‌زبانی و برون‌زبانی آن توانسته است اسلوب دعا را با توجه به کنش‌های گفتاری پنج‌گانه سرل تبیین و تحلیل نماید.

۲. چهارچوب نظری تحقیق

کنش‌های گفتاری، نظریه‌ای است که نخستین بار از سوی آستین مطرح شد و پس از مرگ وی در کتاب چگونه با واژه‌ها کار انجام دهیم^۱ (سال ۱۹۶۲) به چاپ رسید. آستین در این باره بیان می‌دارد که «مقدار قابل توجه‌ای از گفتار و نوشتار انسان‌ها یا عین عمل و یا بخشی از آن است. این نوع از گفتارها یا نوشتارها حاوی افعالی هستند که آن‌ها را افعال کنشی می‌نامند» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۸). این نظریه در مقابل گرایش‌های سنتی فلاسفه‌ای قرار دارد که تنها «به تحلیل معنای جملات منفک می‌پردازند؛ بدین معنا که جملات مستقل از بافت گفتمان و نیز شرایط مرتبیطی که جمله در آن بیان می‌شود، مورد ارزیابی سنت‌گرایان قرار می‌گیرد. آن‌ها همچنین فرض می‌کنند که جمله عادی که جملات دیگر صرفاً صورت‌های تنوع یافته آن هستند، جمله‌ای است که به توصیف یک موقعیت یا بیان یک واقعیت پردازد و بتوان درستی و نادرستی آن را مورد داوری قرار داد» (ایبرمز و هرفم، ۱۳۸۷: ۴۱۳).

آستین تلقی زبان‌شناسان تحلیلی سنت‌گرا از زبان را انکار کرد. چه آن‌ها معتقد بودند که «کار اصلی زبان، اعم از الفاظ و جمله‌ها، این است که واقعیت صادق یا کاذبی را توصیف کند. آستین به نحو تأثیرگذاری نشان داد که نقش اصلی زبان صرفاً اخباری صادق یا کاذب، از واقعیت نیست» (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۲۸-۲۹). در نظر آستین زبان، صرفاً ابزاری برای اطلاع دادن به شمار نمی‌رود. از این رو ارزش صدق بسیاری از جملات خبری قابل تعیین نیست. «وی عبارتهایی نظیر "سوگند می‌خورم جز حقیقت سخنی نگویم" را پاره‌گفتارهای بیانی می‌نامد و معتقد است که چنین پاره‌گفتارهایی به نوع عمل اشاره دارند. به این ترتیب، بحث درباره صدق و کذب این گفته‌ها مطرح نیست، بلکه مسئله بر سر این نکته است که این پاره‌گفتارها چه کاری می‌توانند انجام بدهند» (صفوی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۵۵-۱۵۶). به نظر آستین «ارزشیابی یا سنجش این گونه افعال صدق و کذب نیست، بلکه این کنش‌ها اگر تحت شرایط اقتضایی بیان شوند، مناسب هستند؛ یعنی قابلیت اجرایی داشتن دارند و اگر فاقد شرایط اقتضایی باشند، نامناسب هستند» (آقاگل‌زاده،

1. how to do thing with words

۱۳۹۲: ۱۴۸). آستین برای پاره‌گفتارهای بیانی سه کنش در نظر می‌گیرد که عبارتند از:

۱. تولید کارگفت [کنش گفتاری] که کنش بیانی^۱ [= فعل تلفظی] نامیده می‌شود.

۲. اثری که پاره‌گفتار بیانی در مخاطب می‌گذارد که کنش غیر بیانی^۲ [= فعل مضمون درسخن] نام دارد. معمولاً اصطلاح "کارگفت" به همین کنش غیر بیانی باز می‌گردد.

۳. واکنش مخاطب در برابر پاره‌گفتار بیانی است که آن را کنش پس بیانی^۳ [= فعل ناشی از سخن] می‌نامند (صفوی، ۱۳۹۲: ج ۲: ۱۵۷).

در توضیح این کنش‌های سه‌گانه باید گفت که «در سطح اول، گوینده واژه‌هایی را اظهار می‌کند که معنای خاصی دارد. در سطح دوم، گوینده واژه‌هایی را برای افاده بار خاصی به کار می‌گیرد. در سطح سوم، گوینده با اظهار عبارت‌های زبانی در مخاطب خود عکس‌العملی و تأثیری پدید می‌آورد» (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۳۳). بنابراین، محور تحلیل در نظریه کنش گفتاری، فعل مضمون در سخن [کنش غیر بیانی] است، نه فعل ناشی از سخن.

به مرور زمان برخی زبان‌شناسان همچون جان سرل و اچ. پی. گرایس^۴ نظریه کنش گفتاری را بررسی کردند و بسط و گسترش دادند. در این میان، آرای جان سرل درباره دسته‌بندی کنش‌های گفتاری از اهمیت بیشتری برخوردار شد. وی تحت تأثیر اندیشه‌های استاد خود، طبقه‌بندی کامل‌تری از نظریه کنش‌های گفتاری ارائه کرد. پیش از بیان الگوی پیشنهادی سرل، باید یادآوری کرد که وی کارگفت را بر حسب نوع کاری که انجام می‌دهد به پنج نوع اظهار، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی طبقه‌بندی کرد و معتقد بود که «هر یک از این انواع پنج‌گانه، بر حسب نکته غیر بیانی [= هدف از تولید پاره‌گفتار بیانی]، تطبیق با جهان خارج، وضع روانی [= شرایط ذهنی] گوینده و محتوا از یکدیگر متمایز می‌گردند» (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۸۳). سرل بر آنچه که آستین آن را نابجا یا بجا بودن یک کارگفت می‌نامد، صخه می‌گذارد و شرایط پیشین، یعنی شرایط گزاره‌ای،

1. locutionary act
2. illocutionary act
3. perlocutionary act
4. H.P.grice

شرایط صداقت در عمل و شرایط بنیادین را برای تعیین کارآیی یک کارگفت معرفی می‌کند. سرل افزون بر این، پاره‌گفتارهای بیانی را به دو گونه مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌کند و بر این باور است که «پاره‌گفتارهای غیر بیانی می‌توانند در مفهوم یک کارگفت عمل کنند» (همان).

انواع کنش‌های گفتاری پنج‌گانه سرل به این شرح است:

۱. کنش اظهاری (توصیفی)^۱: برای خبر دادن از چگونگی چیزها، توصیف یک وضعیت یا رخداد به کار می‌رود و نشان دهنده باور گوینده از درستی مشاهدات و یافته‌های خود از امور است. اظهاراتی مانند بیان واقعیت، تصدیق، نتیجه‌گیری و توصیف، نمونه‌هایی از کنش‌های گفتاری اظهاری‌اند که گوینده به وسیله آن‌ها دنیا را آنچنان که هست یا آنچنان که باور دارد، نشان می‌دهد.

۲. کنش ترغیبی (جهتی / ارشادی / امری)^۲: برای ترغیب یا واداشتن دیگری به انجام کاری به کار می‌رود و بیانگر خواسته‌های گوینده است. این گونه کنش‌ها شامل دستورها، درخواست‌ها و پیشنهادهای هستند و می‌توانند به صورت مثبت / ایجابی یا منفی / سلبی بروز پیدا کنند.

۳. کنش تعهدی^۳: برای متعهد ساختن گوینده به انجام کاری به کار می‌رود. در این دسته از کنش‌های گفتاری گوینده خود را پایبند به انجام کاری در آینده می‌کند و نشان دهنده قصد گوینده است. این کنش‌ها شامل وعده‌ها، تهدیدها، سرباز زدن‌ها و تعهدها هستند.

۴. کنش عاطفی (احساسی)^۴: برای بیان عواطف، احساسات، حالات روانی و نظرگاه‌ها به کار می‌رود. این نوع کنش گفتاری احساس گوینده را از جهان خارج نشان می‌دهد. این کنش شامل حالت‌های روحی و روانی و نیز نموده‌های عاطفی و احساسی از قبیل شادی، درد، علاقه، تنفر، لذت، غم و ... می‌شود.

1. representative or assertive act
2. directives act
3. Commissives act
4. Expressives act

۵. کنش‌اِعلامی^۱: برای ایجاد تغییری واقعی در جهان از طریق گفتار یا اعلام شرایطی تازه برای مخاطب به کار می‌رود. در واقع به آن دسته از کنش‌های گفتاری اطلاق می‌شود که بیان آن‌ها به تغییر اوضاع دنیای خارج منجر شود. برای انجام درست اعلام، افزون بر نیاز به بافتِ خاص، گوینده نیز باید دارای نقش نهادی اجتماعی، همچون قاضی، داور، رئیس و... باشد و قدرت و صلاحیت بیان وقایع جدید را داشته باشد (یول، ۱۴۰۲: ۷۳-۷۶).

۳. داده‌های اصلی پژوهش

امام سجاد (علیه السلام)، پس از واقعه خونین کربلا در ماه محرم سال ۶۱ هجری قمری، مسئولیت خطیر امامت و رهبری جامعه شیعیان را در دورانی بسیار سخت و پر از خفقان و استبداد که توسط حکومت بنی‌امیه بر مردم تحمیل شده بود، بر عهده گرفتند. ایشان در این دوره حساس با حکمت و تدبیر فراوان، به حفظ و گسترش معارف اهل بیت (علیهم السلام) پرداختند. از این امام همام، مجموعه گرانبهایی از دعاها و مناجات‌ها به یادگار مانده است که در کتاب ارزشمند صحیفه سجادیه جمع‌آوری و تدوین شده است. صحیفه سجادیه که به زبور آل محمد (علیهم السلام) نیز شهرت دارد، حاوی مضامین عرفانی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی است و به‌عنوان یکی از منابع مهم معارف شیعه، مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد. از ظاهر سند روایی این کتاب مقدس بر می‌آید که این دعاها توسط دو تن از فرزندان امام سجاد (علیه السلام)، یعنی امام محمد باقر (علیه السلام) و جناب زید شهید محفوظ و مضبوط شده‌اند. یکی از دعاهای پر برکت صحیفه سجادیه، دعای چهل و هفتم موسوم به دعای «یوم عرفه» است که امام سجاد (علیه السلام) در آن به مقام ولایی اهل بیت (علیهم السلام) پس از نبی مکرم اسلام اقرار می‌کند. همچنین تمسک به ولایت اهل بیت (علیهم السلام)، پیروی از دستوره‌های هدایت‌گرایانه آنان و انتظار فرج کشیدن را از ویژگی‌های بارز شیعیان واقعی می‌داند.

به طور خلاصه محورهای اصلی و مبانی کلی دعای چهل و هفتم را می‌توان به این

1. declarations act

شرح دسته‌بندی کرد:

۱. توحید، أسماء، صفات و حمد خداوند؛ ۲. درود و رحمت بر حضرت محمد ﷺ؛ ۳. دعا در حق امامان معصوم (علیهم‌السلام)؛ ۴. دعا برای پیروان ائمه اطهار؛ ۵. اجتناب از گناه و اندیشه ناپسند؛ ۶. درخواست عفو و بخشش از خداوند؛ ۷. تبیین راه‌های توبه و استغفار؛ ۸. توصیف شیطان و راه‌های اغواگری او؛ ۹. مرگ و دورنمایی از قیامت؛ ۱۰. پایبندی به مکارم اخلاق و پرهیز از بدی‌های نفس‌آماره.

۳-۱. انواع کنش‌های گفتاری دعای عرفه

۳-۱-۱. کنش اظهاری: به مواردی اطلاق می‌شود که بیانگر اطلاعات یا حقایق هستند و هدف آن‌ها انتقال باورها و حقایق است. «این کنش، تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح شده نشان می‌دهد» (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۲). دعای روز عرفه، با این پاره گفتار که برگرفته از قرآن کریم است شروع می‌شود: (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) (فاتحه/۲)؛ ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. بافت این جمله به‌نوعی قالب ستایش‌آمیز دارد. «الْحَمْدُ» در معنای تقدیر و درود است که موضوع آن، خداوند است و در عبارت «لِلَّهِ» نشان داده می‌شود. در این جمله، کنش گفتار اظهاری وجود دارد. چه، متکلم در حال بیان و اظهار حقیقتی است که در اعتقاد او صحیح به نظر می‌رسد؛ یعنی می‌خواهد بگوید «تمام ستایش‌ها به خداوند تعلق دارد». در این جمله نوعی معنای نهفته یافت می‌شود؛ در واقع مقصود گوینده از بیان این جمله، افزون بر حمد و ثنای الهی، اظهار تواضع و خضوع در پیشگاه مقام ربوبی است.

مخاطب در ادامه دعا با یک فراز و پاره گفتار ترکیبی مواجه می‌شود؛ در ابتدای این پاره گفتار عبارت «اللَّهُمَّ» آمده که کنش ترغیبی در بطن آن نهفته است. به دنبال آن پاره گفتار «لَكَ الْحَمْدُ» قرار می‌گیرد که واجد کنش اظهاری است. مخاطب آن‌گاه با چند پاره گفتار ندایی مواجه می‌شود که شامل نوعی کنش ترغیبی است؛ مثل «بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبِّ الْأُبْهَابِ، وَإِلَهُ كُلِّ مَلْأُوهُ، وَخَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ» [ای پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین! ای صاحب جلال و اکرام! ای مالک همه اربابان و ای معبود

هر معبود و خالق هر مخلوق].

در نهایت این فقره با پاره گفتار «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ، وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَّقِيبٌ» [چیزی شبیه او نیست، علم چیزی از او پنهان نمی ماند، و او به هر چیز احاطه دارد و او بر هر چیز نگهبان است] به پایان می رسد که از عنصر کنش اظهاری برخوردار است.

از فراز سوم تا دوازدهم دعای روز عرفه، برای اظهار و بیان مفهوم توحید و یگانگی خداوند و اینکه هیچ معبودی جز خدا نیست، پاره گفتار «أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»، ۱۰ بار تکرار می شود که از باب تأکید بر موضوع وحدانیت الهی است. چه، «الله» اسم ذات واجب الوجود و جامع جمیع صفات و کمالات است. به دنبال این جمله، تعدادی از اسما و صفات باری تعالی نیز ذکر می شود، مانند: «أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحَّدُ الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ» [توئی خدایی که پرستش شده ای، جز تو نیست، یکتای تنها، یگانه بی مانندی] و یا عبارت «وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكَرَّمُ، الْعَظِيمُ الْمُتَعَظَّمُ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبَّرُ» [تویی خدایی که جز تو خدایی نیست، بزرگوار و ارجمندی، بزرگ و با عظمتی، کبیر و متکبری]. در فقره ۱۳ تا ۲۱ دعا، پاره گفتار «أَنْتَ الَّذِي...»، جانشین پاره گفتار «أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» شده و در اغلب موارد جملات فعلیه به عنوان صله موصول پس از آن می آید؛ مانند: «أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، وَيَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَيْسِيرًا، وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا» [تویی که هر چیز را در نیکوترین وضع، اندازه گیری کردی و هر چیز را، از نظر تمام خصوصیات رو به راه فرمودی، و امور ماسوای خود را سامان دادی]. امام سجاد (علیه السلام) در فرازی دیگر از این دعا می فرماید: «أَنْتَ الَّذِي لَمْ يَعْنِكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ، وَ لَمْ يُوَازِرْكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ، وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَلَا نَظِيرٌ» [تویی که در ایجاد موجودات شریکی یاریت نداد، و در کارت وزیری به پشتیبانیت برنخاست، و برایت در امور آفرینش شاهد و نظیری نبود]. فعل های به کار رفته در این جملات و پاره گفتارها مانند: «قَدَّرْتَ، يَسَّرْتَ، دَبَّرْتَ، لَمْ يَعْنْ، لَمْ يُوَازِرْ، لَمْ يَكُنْ، أَرَدْتَ، قَضَيْتَ، حَكَمْتَ، لَا يَحْوِي، لَمْ يَقُمْ، لَمْ يُعِيَ، أَحْصَيْتَ، جَعَلْتَ، قَصَّرْتَ، عَجَزْتَ، لَمْ تُدِرْكَ، لَا تُحَدُّ، لَمْ تُمَثَّلْ، لَمْ تَلِدْ، ابْتَدَأَ، اِخْتَرَعَ، اسْتَحَدَّثَ، ابْتَدَعَ، أَحْسَنَ»، همگی دارای بار کنشی اظهاری هستند و جنبه ای از

افعال، صفات و ویژگی‌های ذات مقدس الهی را بیان می‌کنند.

در فقره ۶۰ دعا که مفهوم امام‌شناسی و بیان دلایل ضرورت وجود امام در جامعه و وظایفی را که مأموم نسبت به امام دارد، بیان می‌کند. پاره‌گفتار به کار رفته در این فقره، ترکیبی از کنش‌ترغیبی و اظهاری را در بطن خود نهفته است. این فقره با پاره‌گفتار «اللَّهُمَّ» شروع می‌شود که دارای کنش‌ترغیبی است و با پاره‌گفتاری طولانی ادامه می‌یابد: «إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عَلِمًا لِعِبَادِكَ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَجَعَلْتَهُ الدَّرِيْعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَحَدَّرْتَ مَعْصِيَتَهُ. فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ، وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَبِهَاءِ الْعَالَمِينَ» [بار خدایا! تو در هر زمانی، دینت را به وجود امامی یاری دادی، و او را نشانه‌ای برای بندگان جهت یافتن راه حق و مشعلی فروزان در سرزمین هایت برپا داشتی، پس از آن که رشته ارتباطش را به رشته ارتباط خود پیوند دادی، و او را سبب دستیابی به خشنودیت قرار دادی، و طاعتش را واجب و از نافرمانیش بیم دادی. آری، امام انتخاب شده تو، پناه پناهندگان و ملجأ مؤمنان، و دستگیره چنگ زندگان، و زیبایی جهانیان است]. این عبارت در بطن خود چندین کنش‌گفتار اظهاری دارد.

فراز ۶۶ دعا، آخرین فقره‌ای است که در آن کنش‌اظهاری وجود دارد. این فراز با پاره‌گفتار «اللَّهُمَّ» که دارای بار کنشی‌ترغیبی است شروع می‌شود و با پاره‌گفتاری که در اهمیت و ارزش روز عرفه است، به پایان می‌رسد: «هَذَا يَوْمٌ عَرَفَةٌ يَوْمٌ شَرَفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَمَنْنْتَ فِيهِ بَعْفُوكَ، وَأَجَزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ» [بار خدایا! این روز، روز عرفه است؛ روزی که آن را شرافت و کرامت و عظمت دادی؛ سفره رحمتت را در آن گستریدی و در آن با عفو بر بندگان منت نهادی و عطایت را در آن بزرگ کردی، و به وسیله آن بر بندگان تفضل و احسان فرمودی]. این جملات و پاره‌گفتارها، بر باورهای گوینده در مورد یگانگی و بزرگی خداوند دلالت دارد و از این نظر می‌توان آن‌ها را جزو کنش‌های اظهاری به‌شمار آورد که حقایق دینی را بیان می‌کنند.

۳-۱-۲. کنش‌ترغیبی: شامل درخواست‌ها، دستورها و مشورت‌هایی هستند که

به‌طور مستقیم از فردی به دیگری برای انجام عمل یا دستوری صادر می‌شود. این نوع کنش‌ها، «مخاطب را به انجام کاری ترغیب می‌کند و او را در حالت تکلیف برای انجام عملی قرار می‌دهد» (بیول، ۱۴۰۲: ۳۴). در دعای «یوم‌عرفه» این نوع کنش‌ها به دو شکل بروز و تجلی پیدا کرده است:

۱. به صورت فعل امر، مانند: «وَاجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ» [و دل‌م را به آنچه (پاداشی که) نزد تو است مطمئن و آرام بگردان]. که در اینجا «اجْعَلْ» فعل امر است.

۲. به صورت فعل نهی، مانند: «وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا، وَلَا لَهُمْ عَلَيَّ مَحْوٍ كِتَابًا يَدًا وَنَصِيرًا» [و مرا پشتیبان ستمکاران، و دستیار و یاور آنان برای نابود کردن قرآنت قرار مده] که در این فراز «لَا تَجْعَلْ» فعل نهی است.

این نوع کنش‌های گفتاری در غالب دعا بیان شده‌اند که در واقع چیزی جز امر و نهی نیستند. در این فراز، امر و نهی تشکیل دهنده اصلی کنش‌گفتاری ترغیبی است؛ ولی از آنجا که مخاطب دعا، خداوند متعال است و استعلاء و الزام نسبت به ذات اقدس الهی از جانب بنده و عبد معنایی ندارد، پس به جای امر و نهی از اصطلاح «دعا» استفاده شده است. فعل‌های امری که دارای بار و مضمون ترغیبی هستند، بیشتر در قسمت‌هایی از دعا به کار رفته‌اند که به موارد زیر مربوط می‌شود:

الف. درخواست درود بر پیامبر ﷺ و خاندان مکرّم ایشان که شامل بندهای ۵۰ تا ۵۹ می‌شود؛ مانند: «رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَّجِبِ الْمُصْطَفَى الْمَكْرَمِ الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ، وَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَحَ رَحْمَاتِكَ» [پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود فرست؛ آن انسان پسندیده؛ برگزیده؛ گرامی و مقرب، برترین درودهایت را و بر او برکت نازل کن؛ کامل‌ترین برکاتت را و بر او رحمت آر؛ پربره‌ترین رحمت‌هایت را]. امام در فقره دیگری خاندان نبوت را با ذکر صفاتی برجسته توصیف می‌کند تا «افراد حقیقت‌جو بتوانند امام واقعی جامعه را از مدعیان دروغین رهبری بشناسند و با حجت‌های حقیقی دین و رهبران بر حق شریعت آشنا شوند» (ایزدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۷). از این رو امام (علیه السلام) نخستین ویژگی ائمه اطهار را برگزیده شدن از جانب خداوند متعال می‌داند

و اوصاف دیگری چون خزانه داران دانش و اسرار الهی، حافظان دین خدا، خلفای ذات مقدس الهی در زمین، حجت‌های پروردگار متعال بر بندگان و برخوردار بودن از عصمت را از ویژگی‌های بارز امامان شیعه می‌داند. از این رو می‌فرماید: «رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ حَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَقْفَةَ دِينِكَ، وَ حُلْفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَجَكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرُّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيراً يَارَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَسْلَكَ إِلَيَّ جَنَّتِكَ» [پروردگارا! بر پاکیزه ترین از اهل بیت او درود بفرست؛ اهل بیتی که برای اجرای فرمانت انتخاب کردی، و آنان را خزانه داران دانشت، و حافظان دینت، و جانشینان در زمینت، و حجت‌هایت بر بندگان قرار دادی، و آنان را به اراده ات، از پلیدی و آلودگی به طور کامل پاک کردی، و وجود مبارکشان را وسیله‌ای به سوی خود، و راه مستقیمت به جانب بهشتت قرار دادی].

ب. درخواست یاری و راهنمایی برای برگزیده اهل بیت (علیهم‌السلام) که در فقره‌های ۶۱ تا ۶۳ دیده می‌شود؛ مانند: «اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّهِ، وَ أَحْمِهِ بِحِفْظِكَ وَ انْضُرَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَ اْمُدِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ» [بار خدایا! پس به ولی خود (که امام عصر (علیه‌السلام) است) شکر و سپاس آنچه را بر او نعمت داده‌ای الهام نما. و به نگهداریت حمایتش نما و به فرشتگانت یاریش فرما و با لشکر و سپاهت که غالب‌ترین (لشکر) اند کمکش کن].

ج. دعا برای شیعیان و یاوران ولی برگزیده از میان اهل بیت (علیهم‌السلام) که در بندهای ۶۴ و ۶۵ دیده می‌شود؛ مانند: «اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَيَّ أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُتَنْتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْأَمَادِينَ إِلَيْهِمْ أُغْنِيَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ» [بار خدایا! بر دوستان محمد و آل محمد درود بفرست؛ دوستانی که به مقامشان اقرار دارند؛ به ولایتشان تمسک دارند؛ منتظر حکومت و قدرت پیروزی آنانند؛ چشم دوخته به ایشانند، درودهایی با برکت].

د. دعا برای خود راوی و شخص دعا کننده که در فرازهای ۷۰ و ۷۱ و بندهای ۸۶ و تا ۱۳۳ وجود دارد؛ مانند: «وَ اجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيباً أَنْتَالَ بِهِ حَطّاً مِنْ رِضْوَانِكَ، وَ لَا تَرُدَّنِي صِفْراً مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ» [و در این روز نصیبی برایم قرار ده،

که به سبب آن بهره ای از خشنودیت دست یابیم، و مرا از آنچه کوشش کنندگان در عبادتت به آن باز می گردند، - که پاداش و ثواب عظیم توست - تهی دست باز مگردان].

فعل های نهی که دارای بار و مضمون کنش ترغیبی هستند، بیشتر در قسمت هایی از دعا بروز و ظهور می یابد که به درخواست ها و نیازهای خود راوی و شخص دعا کننده مرتبط می شود؛ مانند: «وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَىٰ عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ» [از من رو مگردان، هم چون روی گرداندن از کسی که پس از خشم از او خشنود نمی شوی]. امام در فراز دیگری می فرماید: «وَلَا تُحِيطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ» [و خوبی هایم را با گناهی که با آن ها آمیخته می شود تباه نسا].

باید این نکته را یادآوری کرد که با وجود مستقیم بودن لحن این پاره گفتارهای بیانی، یعنی استفاده از فعل های امر و نهی، آداب دعا در خطاب به ذات اقدس الهی در آن ها به نیکی رعایت شده است. از این رو پیش از امر و نهی، عبارت های «اللَّهُمَّ» یا «رَبِّ»، در ابتدای بندهایی که مربوط به دعا برای پیامبر ﷺ، اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان است، آمده است تا ذهن مخاطب را آماده کرده باشد. در مواردی هم که مربوط به خود دعا کننده می شود، با اعتراف و اقرار به ناتوانی و تقصیر متکلم همراه شده است.

۳-۱-۳. کنش تعهدی: دربرگیرنده وعده ها و تعهدات فرد است. این نوع کنش ها به فرد اجازه می دهند که تعهداتی به انجام کاری در آینده بدهد. به عبارت دیگر «گوینده را نسبت به سیر اعمال آتی متعهد می کند» (آلام، ۱۳۱۲: ۲۰۶). در دعای روز عرفه، نمود این کنش ها را در موارد زیر می توان مشاهده کرد:

الف. تعهد ضمنی دعا کننده بر ستایش خداوند، مشروط بر آنکه ویژگی های زیر را داشته باشد:

۱. فقط برای خداوند متعال باشد: «حَمْدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ، وَلَا يُتَّقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ» [سپاسی که جز تو را سزاوار نباشد و جز به سوی تو وسیله تقرب نشود].

۲. دوام و بقاء داشته باشد: «لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومُ بِدَوَامِكَ» [تورا ست سپاس. سپاسی

که به همیشگی تو (پاداش آن) همیشه است] و یا «وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ» [و تو را است سپاس، سپاسی که به جاوید بودن نعمت تو جاوید بماند] و یا «حَمْدًا يَتَّصَعْفُ عَلَي كُرُورِ الْأَزْمِنَةِ» [سپاسی که با گردش زمانها بسیار و بیشمار گردد].

۳. ظاهر و باطن آن یکی باشد و از صداقت کامل برخوردار باشد: «حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ، وَبَاطِنُهُ وَفَقُّ لِبَصْدَقِ النَّيَّةِ» [سپاسی که آشکار آن با نهنانش مطابق و نهان آن با راستی نیت هماهنگ باشد].

به اجمال، فقره‌های ۳۲ تا ۴۹ دعای روز عرفه، به این نوع تعهد و بیان ویژگی‌های آن می‌پردازد.

ب. تعهد به تسلیم در مقابل اوامر خداوند بودن که در بند ۱۱۶ تجلی می‌یابد: «فَإِنِّي لَكَ مُسَلِّمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ، وَأَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ» [زیرا من فرمان‌بردار توام، می‌دانم که حجت و دلیل (در هر حکمی) تو را سزااست. تو به فضل و بخشش سزاوارتری].

ج. تعهد به اجتناب از افکار و کرداری که خداوند متعال دوست ندارد؛ مثل بند ۱۱۷: «لَا آتِي مَا تَكْرَهُ، وَلَا أَزْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ» [آنچه را مکروه داری بجا نیاورم و آنچه را نهی کرده‌ای مرتکب نشوم].

۳-۱-۴. کنش عاطفی: که شامل ابراز احساسات و هیجانات فرد است. این کنش‌ها معمولاً احساساتی نظیر شگفتی، عشق، خضوع، پشیمانی، افسوس و... را منتقل می‌کند. به بیان دیگر، «این کنش‌ها بیان حالت روانی گوینده درباره اوضاع و شرایطی است که در محتوای گزاره‌ای مشخص شده است. در این نوع کنش گوینده نه تلاش می‌کند تا جهان بیرون را با کلماتی که بیان می‌کند مطابقت دهد و نه کلمات بیان شده را با جهان بیرون؛ بلکه صدق و حقیقت گزاره بیان شده بدیهی و مسلم فرض می‌شود» (سرل، ۱۹۹۹: ۱۱). در دعای روز عرفه، این نوع کنش‌ها به وضوح در دو بخش از دعا، قابل مشاهده است:

الف. بخشی از دعا، یعنی در فرازهای ۲۲ تا ۳۱ که نشان‌دهنده احساس ستایش و تقدیس خداوند توسط دعا کننده است: «سُبْحَانَكَ مَا أَجَلُّ شَأْنُكَ، وَأَسْتَى فِي الْأَمَاكِنِ

مَكَانَكَ» [منزّه و پاکی، چه بزرگ است صفات و افعال تو، چه بلند است در همه جا قدر و منزلت تو]. در احساس شگفتی از لطف لایتناهی خداوند نیز کنش عاطفی دیده می‌شود: «سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفِ مَا أَلْفَفَكَ، وَرَوْفِ مَا أَرْفَكَ» [منزّه و پاکی، ای نیکی‌کننده به بندگان چه بسیار است نیکی تو و ای مهربان چه بسیار است مهربانی تو].

تمام بندهای این بخش دعا که بار کنشی احساسی دارند با پاره‌گفت «سُبْحَانَكَ» شروع می‌شود که «یکی از اسالیب غیر رسمی بیان تعجب و شگفتی در زبان عربی است» (سامرای، ۲۰۰۳، ج ۴: ۲۵۳).

ب. بخشی از دعا که به‌طور مستقیم احساسات گوینده نسبت به رفتارهای خود و نیاز به بخشش خداوند را نشان می‌دهند، به عنوان کنش‌های عاطفی در نظر گرفته می‌شوند که احساسات گوینده را در رابطه با کاستی‌ها و کوتاهی‌هایی که داشته است ابراز می‌کنند. امام با درخواست متواضعانه و خاشعانه از خداوند متعال می‌خواهد تا او را از شرّ نفس برهاند و در مسیر مستقیم هدایت رهنمون گرداند. این موارد را می‌توان در بندهای ۶۷ تا ۶۹ و فرازهای ۷۲ تا ۸۵ مشاهده کرد: «اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَبَعَدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ» [بار خدایا! من آن بنده تو هستم که پیش از آفرینش و پس از آفرینش تو او را نعمت عطا فرمودی]. امام در جای دیگر می‌فرماید: «ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ، وَزَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ، وَنَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ» [سپس او را فرمان دادی پس فرمان نبرد، منع نمودی پس باز نایستاد و از معصیت و نافرمانی نهی فرمودی پس خلاف فرمانت نموده و نهیت را مرتکب شده است]. همچنین در عبارت «أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ» [منم گنهکار اقرارکننده و خطاکار لغزنده].

۳-۱-۵. کنش اعلامی: شامل جملاتی هستند که به‌وسیله بیان آن‌ها تغییراتی در دنیای خارجی ایجاد می‌شود. این نوع کنش‌ها عموماً آثار معناداری در واقعیت بیرونی دارند. «از آنجا که مؤثرترین این کنش‌ها وابسته به نهادهای اجتماعی و قانونی است، می‌توان آن‌ها را کنش‌های «نهادینه» نامید. در چنین کنشی گوینده با بیان جمله در جهان خارج تغییر ایجاد می‌کند، یعنی بین محتوای گزاره‌ای جمله و جهان خارج انطباق برقرار

می‌شود» (بوقره، ۲۰۱۲: ۳۰۹). در دعای «یوم‌عرفه» از آنجایی که مخاطب، قادر مطلق است و گوینده در جایگاهی نیست که تغییری در او ایجاد کند، پس شاهد عدم وجود این کنش در دعای مورد بحث هستیم.

دعای چهل و هفتم صحیفه سجاده صرفاً یک متن معمولی نیست، بلکه گستره‌ای وسیع از کنش‌های زبانی پیچیده و متنوع است که هر یک به شکلی خاص، پیوند عمیق و چندلایه‌ای بین انسان و پروردگار متعال را به تصویر می‌کشد. این دعا همچون تابلویی نفیس، رنگارنگ از انواع تعاملات زبانی است که به ما نشان می‌دهد چگونه زبان، این ابزار شگفت‌انگیز، در عرصه دعا و نیایش به کار گرفته می‌شود و چگونه این کنش‌های زبانی می‌توانند در توسعه، تقویت و تعمیق ارتباطات دینی و معنوی نقش بسزایی ایفا کنند.

در بطن این نیایش، انسان با بهره‌گیری از طیف گسترده‌ای از کنش‌های زبانی، از جمله بیان حقایق و اذعان به آن‌ها، طرح درخواست‌ها و نیازها، تعهدات و پیمان‌ها، ابراز احساسات گوناگون (از ترس و امید گرفته تا عشق و خشیت) و اعلان‌ها و اعلام موضع‌های ایمانی، ارتباطی روحانی و معنوی با حضرت حق برقرار می‌کند. این کنش‌ها نه تنها بیانگر نیازهای انسان هستند، بلکه به او این امکان را می‌دهند تا با تأکید بر مفاهیم بنیادینی همچون توحید (یگانگی خداوند)، رحمت و اسعه الهی، شکرگزاری و قدردانی از نعمت‌ها و توسل و تمسک به درگاه الهی، جایگاه خود را در هستی و در برابر خالق هستی مشخص کند.

این متن به شکلی روشن و گویا، اهمیت و نقش محوری زبان را در قلمرو معنویت و ارتباطات مذهبی نشان می‌دهد. هر کنش زبانی در این دعا، فراتر از یک جمله یا عبارت ساده، نقشی حیاتی و اساسی در ایجاد، حفظ و تقویت این ارتباط معنوی ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، زبان در اینجا نه فقط ابزاری برای بیان مقاصد، بلکه عنصری سازنده و مؤثر در شکل‌گیری و پایداری رابطه انسان با خداوند است. این دعا با ظرافت و زیبایی تمام، به ما می‌آموزد که چگونه با کلام می‌توان به معراج معنویت دست یافت و پلی استوار بین زمین و آسمان بنا کرد.

۴. نتیجه‌گیری

بر اساس سوال‌های مطرح شده، این پژوهش به نتایج زیر دست یافته است:

از میان کنش‌های گفتاری پنج‌گانه، کنش گفتاری ترغیبی بیشترین بسامد را در میان دیگر کنش‌ها داشته است. البته این یک مسئله بسیار طبیعی است، زیرا دعا در واقع چیزی جز امر و نهی نیست که این دو تشکیل دهنده اصلی کنش گفتاری ترغیبی هستند. ولی از آنجا که مخاطب دعا، خداوند متعال است و استعلا و الزام نسبت به ذات اقدس الهی از جانب بنده معنایی ندارد، پس به جای واژه امر و نهی از اصطلاح «دعا» که دارای بار معنایی مثبت است، استفاده می‌شود.

کنش بعدی که بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده، کنش احساسی است؛ عبد و بنده مناجات‌کننده در مقابل موجودی نامتناهی قرار دارد؛ همان ذات مقدسی خداوندی که نامتناهی در علم و قدرت، نامتناهی در زیبایی و نامتناهی در بخشش و مهربانی است. پس لامحاله زبانش به تحسین و تمجید این موجود نامتناهی گشوده می‌شود. اما وقتی به کردار و اعمال خود نگاه می‌اندازد، با موجودی مواجه می‌شود که سرایا نقص، ضعف و کمبود است. از این رو به ناچار زبان به اقرار می‌گشاید و در میانه این تقابل عظمت و ذلت، علم و جهل، توانایی و ضعف، کنش گفتار احساسی نمود و بروز می‌یابد. کنشی که در مرتبه سوم جای دارد، کنش گفتار اظهاری است. در فرهنگ دینی مسلمانان، دعا آداب و شرایط خاصی دارد. یکی از آداب اصلی دعا، بیان حمد و ثنای الهی، پیش از درخواست خواسته‌های خود از خداوند است. در واقع حمد و ثنا به معنی توصیف بزرگی و عظمت خداوند و بر شمردن نعمت‌هایی است که پروردگار به آفریدگانش ارزانی داشته است. پس دعا که به معنی توصیف، بر شمردن، معرفی کردن و ابراز حقایق می‌باشد، از مؤلفه‌های اساسی کنش گفتار اظهاری به شمار می‌آید. در دعای مورد بحث، کنش گفتار تعهدی در رتبه چهارم قرار دارد و کنش اعلامی هم در این دعای جایی به خود اختصاص نداده است.

منابع و مأخذ

- صحیفه سجادیه کامله. (۱۳۸۱). تحقیق سیدمحمد باقر موحد ابطحی. چاپ پنجم. قم: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام.
- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی تحلیل‌گفتمان و کاربردشناسی. تهران: نشر علمی.
- آلام، کر. (۱۳۸۲). نشانه‌شناسی تئاتر و درام. ترجمه: فرزانه سجودی. تهران: انتشارات قطره.
- ایریمز، مایر هوارد و هرهم، جفری گالت. (۱۳۸۷). فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی انگلیسی-فارسی. ترجمه سعید سبزیان مراد آبادی. تهران: رهنما.
- ایزدی، محمدعلی؛ سجادی پور، حسن و پاشایی، وحید. (۱۴۰۰). «ویژگی‌های امامت در دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه». *دعای‌پژوهی*. سال ۱. شماره ۱. صص: ۱۲۴-۱۳۸.
- بوکره، نعمان. (۲۰۱۲). *لسانیات الخطاب مباحث فی التأسیس والإجراء*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دست‌رنج، فاطمه و عرب، منصوره. (۱۳۹۹). «کاربست نظریه کنش‌گفتاری در خوانش آیات جهاد». *مطالعات تاریخی جنگ*. دوره ۴. شماره ۱۲. صص: ۲۳-۵۲.
- سامرایی، فاضل. (۲۰۰۳). *معانی النحو*. قاهره: شرکه العاتک لصناعه الکتاب.
- سرل، جان آر. (۱۳۸۷). *افعال گفتاری*. ترجمه: محمدعلی عبداللهی. چاپ دوم. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی لطفی، سید عبدالحمید و طاهره قاسمی. (۱۳۹۳). «بررسی و طبقه‌بندی خطبه‌های نهج البلاغه از دیدگاه نظریه کنش‌گفتاری». *سیاست متعالیه*. سال ۲. شماره ۶. صص: ۹-۳۰.
- عترت‌دوست، محمد. (۱۴۰۲). «رابطه ساختاری و محتوایی دعای عرفه منقول از امام حسین علیه السلام و دعای عرفه صحیفه سجادیه». *دعا پژوهشی*. سال ۳. شماره ۵. صص: ۱۳۷-۱۶۲.
- صادق‌نژاد، علی؛ معصومی، محمدحسن و غضنفری، سید اکبر. (۱۴۰۰). «بررسی سبک‌شناختی عناصر جامعه در عهدنامه مالک اشتر و دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه». *مطالعات قرآنی*. سال ۱۲. شماره ۴۷. صص: ۳۳-۵۹.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. چاپ دوم. تهران: سوره مهر.
- _____ (۱۳۹۲). *معنی‌شناسی کاربردی*. چاپ دوم. تهران: همشهری.
- مدرسی طباطبایی، حسین. (۱۳۸۳). *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری*. ترجمه: علی قرائی و رسول جعفریان. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- محلّاتی، حیدر. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی دعای عرفه امام حسین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام». *پژوهش‌نامه معارف حسینی (آیت بوستان)*. سال ۱. شماره ۱ (بهار ۱۳۹۵). صص: ۱۰۶-۱۲۲.
- مدنی، سید علی‌خان. (۱۳۹۲). *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین*. تحقیق: سید محسن حسینی امینی. چاپ هشتم. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- یول، جرج. (۱۴۰۲). *کاربردشناسی زبان*. ترجمه: محمد عموزاده و منوچهر توانگر. چاپ دهم. تهران: سمت.

Textual analysis of the forty-seventh prayer/ Supplication of Sahifa Sajjadiyya based on Searle's speech act theory

Ezzat Molla Ebrahimi ¹ Hasan Jalali ²

Received: December 22 , 2025

Revised: February 16 , 2026

Accepted: February 19 , 2026

Abstract

Pragmatics, which emerges in approaches such as speech act theory, is a subfield of linguistics. Among the most famous classifications of speech acts is the model proposed by John Searle. He divides speech acts into five main categories: representatives (assertives), directives, expressives, commissives, and declarations. Although this classification is considered the most effective model presented regarding speech acts, it is by no means exclusive, and there are no precise boundaries between instances of acts. This is because a speech fragment in the context of a text can encompass various types of speech acts, or the perceptions of recipients may differ. In this study, the text of Supplication 47 of the Sahifa al-Sajjadiyya is analyzed using a descriptive-analytical method based on Searle's theory of speech acts, which can help the audience better understand the goals and the extent of the prayer's impact on the spirit and psyche of the readers. The frequency of each of the different speech acts and their causes are also examined in this research. The results of the research suggest that among the speech acts used in this prayer, the directive speech act has the highest frequency among other acts. Expressive acts rank second, and representative acts rank third. Commissive acts have a smaller share in this prayer, and declarative acts have no significant place.

Keywords

Speech Acts, Speech Fragment, John Searle, Sahifa al-Sajjadiyya, the forty-seventh prayer/ Supplication.

1. professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran, Iran(Corresponding Author):mebrahim@ut.ac.ir

2. Ph.D. Arabic Language and Literature, University of Tehran, Iran: Jalali62h@gmail.com